ماهنامهٔ
# مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

بمناسبت بیستمین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان

## وارثان مانیفست

هفتم اکتبر ۱۹۶۹ بیست سال از عمر جمهوری دمکراتیک آلمان میگذرد. حوادث بیست سال گذشته درآلمان، در اروپا و درجهان این حقیقت را هر بار با قوت بیشتری تأیید کرده است که تشکیل جمهوری دمکراتیک آلمان یك واقعه تاریخی نه فقط برای ملت آلمان بلکه برای امر صلح دمکراسی و ترقی اجتماعی در سراسر جهان بوده است.

امپریالیسم تجاوزکار آلمان یکبار بدست امپراطوری هوهنزولرن و بار دیگر بوسیله نازیسم هیتلری جهان‌را به آتش جنگ جهانی کشاند. امپریالیسم آلمان هر دو بار شکست خورد ولی زیانهای مادی و معنوی عظیمی بر جای گذاشت که هنوز عواقب آن باقی است. امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی که از همان فردای جنگ دوم جهانی دوباره جهاد ضد کمونیستی و ضد شوروی را براه انداختند، باز هم زیر بال امپریالیستهای آلمان را گرفتند و یکبار هم از تشکیل یك آلمان واحدصلحدوست و دمکراتیك جلوگیری کردند و با ایجاد دولت جداگانه آلمان غربی دوباره پایگاه تحریك و توطئه و تجاوز را بر ضد نیروهای صلحدوست، دمکراتیك و مترقی در آلمان و بر ضد صلح و امنیت اروپا تجدید کردند.

بر اساس تجربه تلخ دو جنگ جهانی و برای جلوگیری از اینکه بار دیگر ازخاك آلمان آتش جنگ جدیدی شعله ور گردد نیروهای دمکراتیك صلحدوست و ق. آلمان برهبری حزب کمونیست و یکا

دنباله در صفحه

## احیاء سنن انقلاب مشروطیت

### ز در دستور روز است

رژیم استبدادی شاه، ناشیانه خود را به کسوت دموکراسی آراسته است. ظواهر دموکراسی بورژوائی که همان مجلسین، روزنامه‌ها، احزاب و اتحادیه‌هاست خالی از هرگونه‌محتوی واقعی به «نمایش» گذارده شده اند. اینها که مصنوع آفریده خود «خدایگان شاهنشاه آریامهر» ۱۱ هستند، بجای خدمت بمردم خدمتگذار مخدوم تاجدار خویشند. این نمایش خنده آور دموکراسی را، صحنه خنده‌آورتری تکمیل میکند و آن برگزاری جشن مشروطیت از جانب مقننین علیه مشروطیت است. شصت و چهارمین سالگرد انقلاب مشروطیت درشرایطی برگزار میشود، که اثری از مشروطه وجود ندارد. قانون اساسی دستآورد یکتای انقلاب

حیدر عمواغلی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و قهرمان انقلاب مشروطیت

مشروطیت طی دوران استبداد خاندان پهلوی چهار بار مورد دستبرد و مسخ قرار گرفته و

دنباله در صفحه ۲

## تلاش برای احیای «پیمان مرده»

شانزدهمین اجلاسیه شورای وزیران پیمان سنتو در شرایطی بر گزار شد که خاور نزدیك در آتش بحران مسوخت و رژیم ایران با اقدامات خشن و تحریك آمیز خود این بحران را بسود امپریالیسم جهانی و اسرائیل- افزار تجاوز آن در این منطقه دامن میزد. شرکت کنندگان این اجلاسیه با تظاهر به علاقمندی به «صلح و امنیت» خاور نزدیك و میانه در جلسات خود که روز های ۵ و ۶ خرداد در تهران بر گزار شد عملا علیه صلح و امنیت این منطقه وبرای کمك به متلاشه تجاوز کارانه امپریالیستها و محافل جنگ طلب صهیونیست های اسرائیل توطئه می چیدند.

وزیران‌خارجه ایالات متحده،انگلستان ترکیه و ایران ریاست هیئت های نمایندگی را بعهده داشتند. دولت پاکستان این بارنیز از فرستادن وزیر خارجه خود به شورای سالیانه وزیران سنتو سر پیچید و ریاست‌هیئت نمایندگی خود را به سفیر خود در تهران سپرد.

دستور جلسات و مذاکرات سری‌بود. از مذاکرات فقط جزئیاتی همراه با یك اعلامیه نهائی مختصر و مبهم انتشار یافت. بحران خاور میانه، مسئله شط‌العرب، قبرس کشمیر و ویتنام از جمله مسائل‌مورد بحث‌بود.

### دو مشی

در مذاکرات این اجلاسیه دو مشی جلب توجه میکرد، نمایندگان ایران و ترکیه و پاکستان ضمن تأیید وفاداری خود به هدفهای اساسی پیمان سنتو مثل سالهای پیش هر کدام سعی داشتند پشتیبانی خاص سنتو را از مقاصد خاص خود جلب کنند. ولی ویلیام راجرز و مایکل استوارت وزرای خارجه ایالات متحده و انگلستان بار دیگر

دنباله در صفحه ۲

## شخصیت دکتر مصدق را نمیتوان با اتهام زنی‌لکه دار کرد

انتشار نام فراماسونهای ایران و به دنبال آن انتشار نام عمال سیا در ایران مدتی است افکار عمومی مردم ایران را بحق بخود مشغول داشته است. البته این حقیقت که امپریالیسم،انگلستان بوسیله سازمان‌فراماسونی و امپریالیسم امریکا بوسیله «سیا» نه فقط با جاسوسی مشغولند، بلکه و بویژه بوسیله عمال ایرانی خود بر تمام شئون اقتصادی و سیاسی و نظامی ایران مسلط اند و از این راه سیاست امپریالیستی خود را بر ضد مصالح میهن ما از پیش میبرند برای مردم ایران تازگی ندارد. ولی جالب و مهم آنست که تبلیغات امپریالیستی که گاه بگاه از پرده بیرون میافتد موجب میشود که مردم ایران از

دنباله در صفحه ۵

## سرمایه داری ایران
### چهره زشت خود را نشان میدهد

ایران با تب و تاب درراه سرمایه‌داری پیش میرود. با آنکه متملقان رژیم سعی دارند ایرانرا نوعی کشور «سوسیالیسم اعلیحضرتی» معرفی کنند و حتی نویسندگان «ندای ایران نوین» ارگان حزب دولتی می کوشند تا با کشاندن مفاهیم، اصطلاحات و تعاریف مارکسیستی را بی کم و کاست در خدمت «منویات ملوکانه» قرار دهند، ولی با هیچ برك لفظی، سیمای نازیبای غولی که در ایران تن پرور میکند و قوه میگیرد، نهفتنی نیست. در ایران سرمایه‌داران‌وزمین داران بزرگ، در پیوند بسیار نزدیك با سرمایه‌داری امریکا و اروپای غربی و ژاپن، بسر کردگی خاندان پهلوی مشغول تاراج بی دریغ ثروت ملی، نیروی‌کار و قریحه دماغی زحمتکشان یدی و فکری هستند. در وطن ما این ایام منظرهٔ کامل اثباتات اولیهٔ سرمایه‌داری بصورتهای زشت و زننده‌ای از قبیل احتکار، اختلاس مسئله بازی، کلاه برداری و سوء استفاده از قدرت دولتی، دلالیها و سوداگریهای ناپاك، نصب و تصرف عدوانی بجیب‌زدن دسترنج و دستمزد مردم و غیره، دیده‌میشود. سرمایه‌داری‌دارد‌محیط کهنه وسنتی پدرسالاری و فئودالی را بسرعت تغییر میدهد و قانون بیرحم سودورزی را جانشین همهٔ ارزش ها میسازد. توصیف مارکس در مانیفست در مورد جامعه کنونی ما صادق است که گفت

دنباله در صفحه ۳

## بیست وپنج سال تکامل آزاد جمهوری توده ای بلغارستان

نهم‌سپتامبر ۱۹۴۴ صفحه تازه‌ای در تاریخ زندگی مردم بلغارستان گشود. ارتش شوروی در تعقیب سربازان هیتلری وارد این کشور شد، به تسلط خونین فاشیسم پایان داد و بمردم بلغارستان کمك کرد پایه های زندگی آزاد خود را بگذارند. در این روز دومین پیوند عمیق دوستی بین خلقهای شوروی و مردم بلغارستان زده شد. فرزندان سربازانی که در نیمه دوم قرن گذشته به پردگی پانصد ساله بلغارستان پایان داده بودند این بار نیز بکمك آن شتافتند تا دیو خونین فاشیسم را از آن برانند.

تاریخ بلغارستان تاریخ مبارزات خونین و پر شور ملتی است که هیچگاه تسلیم زور

دنباله در صفحه ۵

رژیم شاه بار دیگر در کردستان بیداد میکند. قریب صد نفر شهید و هزار تن زندانی — اینست ترازنامه آخرین تاخت و تاز رژیم در کردستان. زنده باد مبارزان دلیر خلق کرد که در برابر این بیداد گری مردانه پایداری میکنند!

دنباله از صفحه ۱

## تلاش برای احیای «پیمان مرده»

تصریح کردند که اعتبار سنتو و علت وجودی آن همانست که این پیمان تجاوز کار را چهارده سال پیش بنام «پیمان بغداد» شالوده ریخت و بعبارت دیگر این کشور های امپریالیستی امریکا و انگلیس نیستند که باید از هدفها و مقاصد محلی اعضای خود در منطقه خاور میانه پشتیبانی کنند بلکه دول محلی عضو این پیمان موظفند از هدفهای اساسی استراتژی امپریالیسم در این منطقه پی جوئی و چرا پیروی کنند و سیاست خود را در جهات مختلف با آن تطبیق دهند. و اهدفهای اساسی سنتو که بدست امپریالیسم امریکا و انگلیس شالوده ریزی شده (اگر چه امپریالیسم امریکا بعلل معین از قبول عضویت رسمی آن پرهیز دارد) همانست که حرب توده ایران بار ها آنرا افشاء کرده است. این هدف ها عبارتند از: ۱- ایجاد پایگاه تجاوز علیه اردوگاه سوسیالیستی و در درجه اول علیه اتحاد شوروی باستناد دعوی کذائی «خطر تجاوز از شمال». ۲- جلو گیری و سرکوب جنبش های آزادیخش ملی در خاور نزدیک و میانه و ۳- ایجاد تکیه گاه برای غارت ثروت های نفتی این منطقه. پیمان سنتو حلقه واسط زنجیر بلوک های تجاوزکار را در غرب و در آسیای جنوب شرقی تکمیل کرد.

### پیام شاه و زنده شدن پیمان مرده

مقامات رژیم برای توجیه شرکت ضد ملی در پیمان سنتو بطوریکه میدانیم سالها شیخ موهوم «تجاوز از شمال» را عنوان هیکردند و مدعی بودند که سنتو فقط جنبه دفاعی دارد. ولی پیمان سنتو در طول چهارده سال موجودیت خود بر خلاف دعوی محمد رضا شاه ماهیت خود را به عنوان یك «دستگاه دفاعی» بلکه بعنوان افزار تجاوز و تشدید تشنج و بحران در خاور نزدیك و میانه و در نقش ژاندارم جنبش آزادیخش ملل این منطقه سال بسال بیشتر نمودار ساخت. طی این سالها واقعیات انکار ناپذیر ثابت کرد که خطری که ایران را تهدید میکند از جانب شمال نیست بلکه از جانب همان نیرو هائی است که سنتو را آفریده و بر سر پا نگاهداشته‌اند. از جانب شمال نه تنها هیچگونه خطری متوجه ایران نیست بلکه صمیمیترین و نیرومند ترین دوست ایران از آنجا دست یاری بسوی مردم ایران دراز کرده است.

سیاست پیگیر صلحدوستانه اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی و مجاهدات آنان در راه پایان دادن به «جنگ سرد» و کاهش وخامت اوضاع جهان و تأمین صلح جهانی سر انجام زمامداران ایران را وادار ساخت اعتراف کنند که پیمان سنتو دیگر «با مقتضیات دوران و روح زمان وفق نمیدهد».

طی چند سال اخیر مقامات رژیم بارها به بی ارزش بودن شرکت در سنتو اشاره کرده‌اند. شاه پیمان سنتو را «باشگاه گفتگو»، «پیمان بی دندان» و حتی «پیمان مرده» نامید.

ولی در چند ماه اخیر و بخصوص در آستانه شانزدهمین اجلاسیه وزیران سنتو ناگهان مرده زنده شد و شاه ضمن پیام خود به شورای وزیران سنتو «از تحول تازه‌ای که در فعالیت های پیمان بوجود آمده است» با خرسندی تمام استقبال کرد و گفت «ما به همکاری صمیمانه خود با دوستان هم پیمان خوش ادامه میدهیم». و اما «تحول تازه» ای که معجزه احیای اموات از خود نشان داده چیست؟ این «تحول تازه» همانست که راجرز ضمن نطق خود در اجلاسیه سنتو فاش ساخت. درهماتحال که زمامداران ایران از فعالیت های عظیم اقتصادی سنتو سخن میگفتند و برای گمراه ساختن اذهان میکوشیدند جنبه نظامی سنتو را تحت الشعاع «جنبه اقتصادی» آن قرار دهند راجرز صنعتگرانی خود در قالب یك عبارت کوتاه حاق مطلب را شکافت و گفت: «در سنتو آنچه که مورد توجه ماست مشکلات مربوط به خاور میانه و خاوردور است». بعبارت دیگر راجرز فهماند که امریکا یعنی همان «دندان سنتو» این پیمان را نه بخاطر «فعالیت اقتصادی» آن بلکه فقط بعنوان افزاری برای پیشبرد هدفهای تجاوزکارانه تاکتیکی و استراتژیك امپریالیسم در خاور میانه و خاوردور لازم دارد و تمام حرفهای دیگر در این زمینه مفت است. زاهدی هم ضمن نطق خود باستقبال «بابا بزرگ» سنتو و رژیم موجود ایران شتافت و گفت «مفاهیم اصلی و اساسی سازمان پیمان مرکزی همچنان صادق و معتبر است و احتیاط و دور اندیشی بما حکم میکند که همواره هشیاری و آمادگی خود را حفظ کنیم و به همکاری خویش با دوستان هم پیمان خود ادامه دهیم». و اما «مفاهیمی» که رژیم ایران را به ادامه همکاری با دوستان هم پیمان (یعنی در درجه اول امپریالیسم امریکا) متعهد میسازد همان هدفهای سه گانه ایست که در بالا بآن اشاره کردیم.

### مفهوم «ثبات و امنیت» در قاموس زمامداران ایران

یکی از مهمترین مسائلی که نمایندگان ایران در اجلاسیه اخیر سنتو بآن پرداختند مسئله خلیج فارس و سرنوشت کشور های این منطقه پس از باصطلاح تخلیه آن از نیرو های انگلیسی بود. مذاکرات در این زمینه کاملا سری و محرمانه گفته شد و تقریبا هیچ نکته اساسی روشن کننده‌ای درباره آن در جرائد انتشار نیافت. اردشیر زاهدی این مطلب را ضمن سخنرانی خود در پرده‌ای از مه غلیظ پوشاند و ضمن اشاره به تغییرات و تحولات چهارده سال اخیر و ضرورت هماهنگی با این تحولات گفت شرایط نوین «فرصت ها و زمینه های تازه‌ای برای همکاری بیشتر و بهتر بما داده است». خبرگزاری آسوشیتد پرس پرده ابهام از روی گفته‌های زاهدی برداشت و با استناد به قول منابع دولتی ایران صاف و ساده خبر داد که ایران در این اجلاسیه «به ایالات متحده و دیگر متحدانش در سنتو هشدار خواهد داد که رژیم چپی در عراق خطر جدی برای ثبات و امنیت خلیج فارس بشمار میرود». بدینسان بار دیگر روشن شد که «ثبات و امنیتی» که زمامداران ایران بآن میاندیشند در قاموس آنان چه مفهومی دارد. هر وقت حکومت های کشور های همسایه ایران با خود را در معرض خطر می بیند و شیوه های خود را برای جلب یاری حامیان امپریالیست خود به صدا درمیآورد، علت آن هم روشن است.

### سنتو و جنبش توده‌ای در کردستان

زمامداران ایران علیرغم دعوی «ثبات» رژیم موجود نیك میدانند که دوام این «ثبات» در برابر جنبش مردم چه اندازه است. آنها این جنبش را بنام «بلوا»، «آشوب» و «هرج و مرج» خاص کشور های دیگر جلوه میدهند و در تبلیغات خود چنین وانمود میسازند که گویا در داخل ایران هیچ جنبشی در میان مردم علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی وجود ندارد و حال آنکه مردم علیرغم خطرات فراوان در سراسر ایران از هر فرصت و امکانی برای ابراز خشم و بیزاری خود از خصلت ضد ملی و ضد دموکراتیك رژیم استفاده می کنند. در کردستان جنبش توده‌ای میهن پرستان باوجود کشتار بیرحمانه مجاهدان کرد متوقف نمیشود. تاکنون دژخیمان رژیم دهها تن از این مجاهدان را بخاك هلاك افکنده‌اند و هزاران نفر را زندانی کرده‌اند. ادامه جنبش در کردستان مقامات رژیم را سخت به هراس انداخته است و تردید نیست که در اجلاسیه اخیر سنتو نمایندگان ایران این مسئله را مطرح ساخته و از کمیته باصطلاح «ضد تخریب» سنتو خواستار کمك های باز هم بیشتری برای سر کوب جنبش در کردستان شده‌اند.

* * *

باوجود تلاشهائی که گردانندگان سنتو برای احیای مرده سنتو بعمل میآورند همانگونه که سند مصوب کنفرانس احزاب کمونیست و کارگری درمسکو تصریح کرده است: «تضاد های میان امپریالیستها تنها در عرصه اقتصاد بروز نمی کند. قانون دستخوش بحران جدی است. شیرازه بلوك های تجاوز کار سنتو و سیتو که در آسیا ایجاد شده اند از هم می پاشد... این امر سیستم جهانی امپریالیسم را تضعیف میکند و نقشه های هژمونی طلبانه امپریالیسم امریکا را مختل میسازد».

سنتو آینده ندارد و زندگی دیر پازود آنرا به زباله‌دان تاریخ خواهد انداخت.

پ. پرتو

دنباله از صفحه ۱

## احیاء سنن انقلاب مشروطیت

در دست دشمنان آزادی به ورق پاره‌ای بدل شده و حقوق انسانی مردم عملا حرف پوچ است. بقول امیرانی مدیر خوانندیها از مشروطیت «شروط» آنرا بر داشته و تنها «میت» آن برجای مانده است.

انقلاب مشروطیت که بزرگترین حادثه تاریخی میهن ما در قرن اخیر است، چنانچه رشد طبیعی خودرا میپیمود، میتوانست در تکامل ٦٤ ساله خود به آزادی قطعی خلق ایران منتهی گردد. ولی امپریالیسم وارتجاع در راه رشد این کودك نو یا چنان موانعی بوجود آوردند که امروز آنچه بنام مشروطیت باقی است، کمترین نشانی از مشروطیت باخود ندارد. انقلاب مشروطیت شاه مستبد قاجار محمد علیشاه را مجبور کرد تا برخی آزادیها و حقوق مردم را برسمیت بشناسد. مظفر در ٦٤ سال پس از آنهمه جانبازیها و مردمی‌ها و باوجود تغییرات و تحولات شگرف جهان هنوز مردم بلاکشیده ایران مجبورند در همان عرصه‌ای مبارزه کنند و قربانی دهند که پیکار جویان انقلاب مشروطیت مبارزه کردند و قربانی دادند. هنوز شعار مبارزه برای تحصیل آزادیهای دموکراتیك شعار مرکزیست، زیرا استبداد محمد علیشاهی را، استبداد محمد رضا شاه جا نشین شده است. آنروز مجلس نبود و اراده شاه و امپریالیسم حکومت میکرد، امروز مجلس هست و آلت بی اراده شاه و امپریالیسم است. آنروز مردم حق تشکیل حزب و جمعیت نداشتند، امروز فقط حق شرکت در احزاب شاهانه را دارند. آنروز حق بیان عقیده از مردم سلب شده بود، امروز هم هر صاحب عقیده‌ای را کیفر حبس و مرگ میدهند. آنروز باغشاه مرکز حبس و بند و شکنجه و آزار مخالفان محمد علیشاه بود، امروز زندانهای قصر «عشرت آباد»، «جمشیدیه» قزل قلعه، «حشمتیه و زندانهای کردستان آذربایجان «شیراز»، اصفهان، بندر عباس و غارك با قساوتی شدیدتر و متدهائی تکامل یافته‌تر مخالفان محمد رضا شاه را عذاب می‌دهند. گروه گروه مبارزان حق طلب به اتهام واهی «اقدام علیه سلطنت مشروطه» بدست مأموران سازمان امنیت شاه دستگیر و زندانی و محکوم بمرگ میشوند، در حالیکه مقدم واقعی علیه مشروطیت شخص شاه است زیرا دستبردهائی که او برای تحکیم قدرت خود و مواضع امپریالیسم به قانون اساسی زده، بزرگترین اقدام علیه مشروطیت و قانون اساسی بوده است.

برای مبارزه با متعدین علیه مشروطیت و در رأس آنان شاه، باید جنبش وسیعی از مردم بوجود آید تا پایمال کنندگان قانون اساسی را مجبور سازد لااقل آزادیهای مصرح در قانون اساسی را برای مردم برسمیت بشناسد، مردم بتوانند در احزاب و سندیکاهای ملی متشکل شوند و برای احیاء

دنباله در صفحه ۳

# بما مینویسند

— یکی از کارگران کارخانه «لیلاند موتور» در محموطه کارخانه دست بخودسوزی میزند. کارفرما این کارگر جوان را که دارای زن و بچه است اخراج کرده بود و وزارت کار در پاسخ اعتراض او گفته بود برو پیش سرکار، ولی موقعیکه کارگر بسرکار باز میگردد مواجه با مشتها و لگد های کار فرما میشود و با وضع توهین آمیزی ازمحوطه کارخانه اخراج میگردد. کارگر اخراجی که میبیند هیچ مرجعی از او حمایت نمیکند دست بخود سوزی میزند.

— بیش از چندین ماه است که کارگران اداره آبادانی و مسکن زاهدان حقوق خود را نگرفته اند و شکایت آنها نیز بجائی نرسیده و آواره و گرسنه در خیابانهای زاهدان سر گردانند.

— کارفرمای کارخانه سرامیک ایران مدت سه ماه است که ۳۰۰ نفر از کارگران را اخراج نموده و شکایت کارگران نیز بیجواب مانده است.

— کارگران کوره پزخانه های تهران بعد از مبارزه طولانی موفق شدند قراردادی بندند تا بتوانند از بیمه های اجتماعی استفاده کنند، ولی با آنکه پول بیمه از آنها کسر میشود هنوز بیمه نشده اند، کار فصلی است و حد اقل حقوق نیز معین نشده است، در بین آنها کارگر ۵ ساله تا ۹۰ ساله دیده میشود، در کوره ها از وسائل ایمنی خبری نیست و اکثریت مطلق کارگران بدون مسکن هستند.

— پلیس یکی از طوافان را که در میدان غار دستگیر کرده بود و پول نداشت تا جریمه بپردازد به بیمارستان سینا برد تابجای پول خون او را بگیرند، در بیمارستان بیشتر از یك لیتر از او خون گرفتند. مرد بینوا بوضع وخیمی دچار شده است.

— مأمورین سازمان امنیت چندین ماه است که دو نفر دانشجوی ریاضی را از خانه هایشان ربوده‌اند و هیچ خبری از آنهانیست.

— دانشجویان یکی از کلاسهای دانشکده حقوق در سر کلاس درس های آموزش نظامی از سروان، استاد این درس میخواهند که بجای دروس نظامی، کتاب انقلاب سفید را بخواند تا آنها نمدی بخندند. سروان بجای اینکه بدرخواست دانشجویان توجه کند، با تلفن کمك میخواهد و بلافاصله سرهنگی با یك کامانکار پر از سرباز وارد دانشگاه میشود. سرهنگ مزبور بعد از داد و فریاد زیاد یکی از دانشجویان را کتك زده و بکمك مأمورین او را بباشین انداخته میبرد.

— چند ماه پیش آزموده که به آبشین ایران معروف شده است برای بازدید به خرمشهر رفته بود در هنگام بازدید از اسکله خرمشهر، وقتیکه متوجه لباس محلی عربها میشود، که باتفاق کارگران ایرانی مشغول کار بودند، میپرسد اینها کیستند، میگویند عرب اند. آزموده عصبانی میشود و فریاد میزند، اینجا جای عرب نیست، و دستور میدهد فوراً دستمال سر آنها را بردارند. از آن بعد کارگران عرب مجبورند صبحها «چپی اکال» خود را بدژبان بدهند وعصرها بگیرند. این امر خشم کارگران ایرانی و عرب را بر انگیخته است.

— ۵۰۰ نفر از سربازانی که اخیراً بخرمشهر آورده شده اند، در اثر خوردن غذای فاسد مسموم شده و آنها را بیمارستان پهلوی فرستاده اند، دو نفر نیز هنگام کندن زمین بعلت مار زدگی فوت کرده اند.

— دانشجویان سیاهی پادگان کرج دو بار بر اثر بدی غذا اعتصاب غذا نمودند، و از سالن غذا خوری خارج شدند. وقتیکه امرای ارتش متوجه شدند که دانشجویان مصمم هستند اعتصاب خود را ادامه دهند و از تهدیدها نمیترسند و خواهشها نیز بی‌نتیجه است قول میدهند که بخواست آنها توجه کنند و برنامه سه غذائی بخواست دانشجویان تهیه شود و این برنامه سه غذائی در تمام پادگانها و اردو های کشور عمومیت پیدا کرده است.

— در پادگان جی دانشجویان در اثر بد رفتاری فرماندهان و کتك زدن آنها، بعنوان اعتراض از رفتن بسر کلاسها خود داری کردند و اعلام اعتصاب نمودند. مأمورین ۴۲ نفر را دستگیر و بزندان دژبان فرستادند تا بعد از محاکمه آنها را بسرباز عادی تبدیل کنند و بسرباز خانه بفرستند.

— بین پلیس و کارگران شرکت واحد که بقصد اعتراض به حق کشیها جلوی بستخانه جمع شده بودند تصادمی رخ میدهد و عده‌ای دستگیر میشوند. کارگران اجرای قانون کار و بیمه‌های اجتماعی را طلب میکنند.

## «شعله جنوب» منتشر شد

شماره تیر ماه «شعله جنوب» ارگان تشکیلات خوزستان حزب توده ایران بافرم فدار و اعتقاد انتشار یافت. در سرمقاله این شماره روز های تاریخی سی‌ام تیر و بیست وهشتم مرداد بمثابه روز های پیروزی و شکست ارتجایی است: «سی ام تیر جای دربسائی از اتحاد و پیروزی است و ۲۸ مرداد بعنوان روز سیاهی که نیرو های ضد خلق بر سر مردم تاختند، حاکمیت خلق را غصب کردند و باز بمرای مدتی بساط اختناق و فشار، استعمار و استبداد، غارت و چپاول را در سراسر ایران گستردند متضمن درسهای عبرت انگیزی از تفرقه و شکست است.

شعله جنوب طی خبری که در جای برجسته‌ای طبع شده شرکت هیئت نمایندگی حزب توده ایران را بریاست رفیق رادمنش، دبیر اول حزب و معاونت رفقا ایرج اسکندری و احسان طبری خبر داده و متذکر شده است که متن کامل نطق رئیس هیئت نمایندگی ایران در ایران نگنجیده و در دسترس رفقای حزبی قرار گرفته است. شعله جنوب مینویسد: «وظیفه رفقاست که پس از خواندن این نطق هموطنان آزادیخواه و مترقی را در جریان مطالب آن بگذارند.» سپس این روزنامه طی مقاله دیگری تحت عنوان: «اجتماعی بزرگ در دیهن لنین» جریان کنفرانس تاریخی احزاب برادر در مسکو را تشریح کرده است. شعله جنوب در این مقاله بخشهای حساسی از سخنرانی مهم رفیق بزرگ را خلاصه میکند و نیز نگاهی با سخنان پرشور هیئت نمایندگی ایران رفیق رادمنش را در باره ضرورت وحدت و اوضاع کشور نقل مینماید و سپس مینویسد: «تشکیلات خوزستان حزب توده ایران ضمن ابراز رضایت و شادمانی عمیق خود از تشکیل کنفرانس بین المللی احزاب کمونیست و کارگری منعقده در مسکو و تهنیت به همه هیئتهای نمایندگی، پیروزی باز هم بیشتری را برای جبهه صلح و سوسیالیسم، برای طبقه کارگر جهان و جنبشهای آزادیبخش ملی در مبارزه ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی آرزو میکند.» درهمین مقاله شعله جنوب ارزش بزرگی به فعالیت رادیوی پیك ایران در امر پخش مسائل و مطالب مربوط به کنفرانس جهانی داده شده و در این باره مینویسد: «رادیوی پیك ایران ناشر اندیشه های حزب توده ایران از آغاز کارکنفرانس تا پایان آن فعالانه در انعکاس جریان کنفرانس تلاش کرد و بسیار هم موفق بود. رادیوی پیك ایران با حذف برنامه های ویژه خود با سرعت و دقت نظر قسمتهای اساسی نطق هیئتهای نمایندگی، متن کامل سخنرانی بزرگ دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفیق رضا رادمنش دبیر اول حزب توده ایران و بعد از پایان کنفرانس متن سند اصلی را بگوش خلقهای ایران رساند.»

زندگی تأسف آور در «چهرآفهاء» عنوان مقاله جالبی از «شعله جنوب» است که در آن شرایط کار وزندگی کارگران «چهرآفهاء (کارگاه های تهیه خرما) در شهر های آبادان، خرمشهر و اهواز توصیف شده است. تشکیلات خوزستان حزب توده ایران در پایان مقاله از افکار عمومی خواسته است تا اجرای قانون و مقررات مربوط به کار و بیمه های اجتماعی در «چهرآفهاء» را از دولت خواستار شود.

«آتش بیار امپریالیسم» عنوان مقاله ای است در باره تحریکات دولتهای اسرائیل و ایران علیه کشور های عربی. تشکیل دولت موقت ویتنام جنوبی که پیروزی بزرگ خلق ویتنام است شوق و تحسین میهن پرستان ایران را برانگیخته است. «شعله جنوب» در این باره نوشته است: «ما ضمن پشتیبانی عمیق خود از مبارزهٔ بحق وعادلانه خلق ویتنام علیه امپریالیسم و ارتجاع تشکیل دولت جبهه آزادیبخش ویتنام جنوبی را صمیمانه تبریك گفته و کامیابیهای بیشتر هم بیشتری را برای خلق دلاور ویتنام آرزو میکنیم.»

در آخرین شماره «شعله جنوب» به قطع مناسبات بازرگانی با آلمان دموکراتیك اعتراض شده است. خبر پیروزی کارگران نفت جنوب در مورد افزایش حد اقل دستمزد بمیزان ۱۴۵ ریال «نیرو های ملی و مترقی، برای خروج ایران از پیمان سنتو، لغو پیمان نظامی ایران و امریکا، عفو عمومی زندانیان سیاسی و امکان بازگشت مهاجرین سیاسی متحداً مبارزه کنید» و «نان، کار، مدرسه، درمانگاه، آری! سرباز خانه، پایگاه نظامی، جمله قانون» که «در زیر صدمات شعله جنوب بچشم میخورد.

ما موفقیت رفقا را در انتشار منظم «شعله جنوب» خواستاریم.

دنباله از صفحه ۱

## وارثان مانیفست

شوروی عامل عمده شکست آلمان هیتلری، بلباد یك آلمان صلحدوست و دمکراتیك و مترقی را در شرق آلمان پایه گذاری کردند. بدین ترتیب بود که در هفتم اکتبر ۱۹۴۹ جمهوری دمکراتیك آلمان بوجود آمد.

جمهوری دمکراتیك آلمان طی بیست سال گذشته راه خود را از میان ویرانه های جنگ و مشکلات عظیم اقتصادی ناشی از آن وتحریکات وتوطئه های دائمی امپریالیست های آلمان غربی باز کرده و اینك یك کشور شکوفان مبدل شده است که دررديف ده کشور صنعتی جهان قرار دارد. ارتقاء روزافزون سطح زندگی مردم، ایجاد یك فرهنگ مترقی و بشر دوستانه، دفاع استوار و پیگیر از صلح و امنیت اروپا و جهان، پشتیبانی از مبارزه خلقهای مستعمره وجنبش های آزادیبخش ملی، کمك بطریق به کشورهای نو استقلال، پیکار خستگی‌ناپذیر بر ضد تحریکات، توطئه ها و سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم و قبل از همه امپریالیسم آلمان غربی، همه اینها جمهوری دمکراتیك آلمان را بصورت عامل مهمی برای صلح و امنیت اروپا و در پیکار عمومی مردم جهان بخاطر صلح و ترقی در آورده و بهمین جهت موردپشتیبانی و احترام همه نیرو های دمکراتیك و مترقی در سراسر جهان قرار گرفته است.

راز چنین پیشرفتی در آنستکه طبقه کارگر آلمان برای نخستین بار در شرق آلمان در نتیجه وحدت حزب کمونیست و حزب سوسیال‌دمکرات اتحاد خود را محکم ساخت وتمام نیرو های دمکراتیك، صلحدوست و مترقی را در یك جبهه ملی برهبری طبقه کارگر متحد کرد و راه ساختمان سوسیالیسم را در پیش گرفت. طبقه کارگر آلمان شرقی و حزب وی بعنوان وارث صدیق مارکس انگلس بل و لیبکنشت برای نخستین بار در میهن بنیاد گذاران سوسیالیسم علمی به اندیشهٔ انقلابی و بشر دوستانه آنها جامه عمل پوشانند. با تصویب قانون اساسی سوسیالیستی در سال ۱۹۶۸ که جمهوری دمکراتیك آلمان را دولت سوسیالیستی ملت آلمان اعلام کرده است مرحله جدید ساختمان همه جانبه سوسیالیسم آغاز شده است.

آغاز برسمیت شناخته شدن جمهوری دمکراتیك آلمان از طرف دولتهای غیر سوسیالیستی نشانه آنست که سیاست توسعه طلبانه و انتقام جویانه امپریالیستهای آلمان غربی، که هدف اصلی آن منفرد کردن و از بین بردن جمهوری دمکراتیك آلمان است هر روز ضربات سنگین تری میخورد و سر انجام محکوم به شکست قطعی است. هم موفقیتهای جمهوری دمکراتیك آلمان و هم شکستهای امپریالیستهای آلمان غربی مؤید این حقیقت است که جمهوری دموکراتیك آلمان برهبری حزب سوسیالیست متحد آلمان توانسته است موجودیت این کشو

دنباله در ص

دنباله از صفحه ۱

## سرمایه داری ایران

سرمایه‌داری تمام تب و تاب‌ها و رعشه‌های مقدس مذهبی و عواطف رمانتیك را در آبهای یخ‌زدهٔ محاسبات تجاری خویش غرق میکند و فقط یك رابطه در میان باقی میگذارد و آنهم رابطهٔ پول نقد است.

سرمایه‌داری در ایران باتقلید از شیوهٔ زندگی امریکائی همراه است. تمدن سرمایه‌داری امریکا ازبازیهای شهوانی برروی چمنهای افریقائی « تا گانگستریسم متشکل » از هروئین و ماری‌ژوانا و « هیپی » گرفته تاآندیت های سقسقه‌آمیز « والت وستو » و « هربرت مارکوزه » را برای ما ارمغان آورده است. مستشاران و مأموران امریکائی ، فیلمهای امریکائی ، آداب شوم این « دژ شیطان زرد » را به کشور ما سرایت میدهند. تمدن ایران که میتوانست ازراه سالم و خردمندانه و و عادلانه‌ای بافیض گرفتن از گذشتهٔ پرشکوه خویش گامبردارد ، اینك در جادهٔ رذیلانه ، ناسالم و بیخردانه‌ای افتاده است.

این مسئله را نباید آنطور که بعضی از مؤلفان ایرانی عنوان کرده‌اند به غرب‌زدگی تعبیر کرد. تقلدان مفهوم غرب زدگی در کشور ما اخیرا بدوستی متذکر شده‌اند که تمدن بشری را به شرقی و غربی نمیتوان تقسیم نمود زیرا تمدن غرب درسراسر تاریخ بی از شرق مایه گرفته و تمدن شرقی نیز سخت از تمدن غربی متأثر است. مطلب را بایدرکادر سرمایه داری و سوسیالیسم قضیه. اصل مطلب در اینجاست که جامعه های معاصر بشری چگونه باید تنظیم شوند که در آن عدالت اجتماعی حکمفرما باشد. این تضاد موحش فقر و ثروت ، حرمان و امتیاز ، فرماندهی و فرمانبری که در ایران روز بروز شدید تر میشود ، درآن دیده نشود. سرمایه داری ایران هم اکنون در قبال مسائل مهمی مانند تأمین شغل و کار برای همه ، تربیت کادر فنی و علمی ، ایجاد سطح زندگی شایسته‌ای برای مردم درمانده است. باید توجه داشت که بیش از ۵۰۰ سال استقرار سرمایه داری ، تنها تعداد کمی از جوامع سرمایه داری رشکبافته اروپای غربی و امریکا توانسته‌اند بوره ازراه غارتگری راهزنانهٔ دنیا و بهره‌جوئی از جنگهای جهانی خونین متمول شوند ، صنایع رشد یافته و سطح مصرفی بالائی را بوجود بیاورند. منادیان این جوامع سعی دارند با توسل بزرق و برق کاخهائیکه از غارت کشورهای معتقر افریقائی و آسیائی ساخته شده‌است ، چنین جلوه گر سازند که گویا سرمایه داری بعنوان یك نظام اجتماعی می‌تواند انسان را خوشبخت سازد. این دروغی بیش نیست.

حتی نبوغ ایالات متحدهٔ امریکا این کعبه و قبلهٔ سرمایه داران که در آن بقول کنیش امریکائی « هرنیتگن » ( در کتاب « امریکای دیگر » ) قریب ۴۰ میلیون نفر دچار فقر کاملند نشان میدهد که سرمایه داری قلب ، فاقد عدالت فاقد احساس و خرد است و این سرمایه داری وقتی بصورت مدل ایرانی آنهم متوج به تاج سلطنت استبدادی درآید تکلیفش روشن است. اتوفت است که مثلا در مدتی کوتاه چنانکه زمانی الوتی وزیر اسبق داد گستری افشاء کرد باندازه دوبرابر تمام بودجهٔ کشور دزدی و اختلاس میشود. آتوفت است که پس از نیم قرن که از پیروزی بورژوازی ایران گذشته ، هنوز اولیه ترین مسائل اجتماعی حل نشده مانده است و حل آن در افق نیز مشهود نیست.

وجدان جامعهٔ ما از محیطی که در کشور حکمرواست ، از محیط سود ورزی ، ازمحیط جاسوسی و خبر چینی ، از محیط فساد و بی‌بند وباری ، از محیط دزدی و نقاب و دروغ ، از محیط فقدان امنیت برای شرف انسانی رنج میبرد. این رنج روحی در همه جا خود را نشان میدهد. نه جمله پردازیهای کسانیکه میخواهند « سوسیالیسم اعلیحضرتی » درست کنند و میخواهند ثابت کنند که شاه این مظهر اشرافیت و سرمایه داری گویا رهبر انقلاب دموکراتیك و ملی است ( ! ) نه عوام فریبهای احساساتی شهبانوی « قلب طلائی » به بوق و کرنا در بارهٔ مدلهای سر مایه داری غرب این واقعیت شوم را تسیوشاند. درد جامعهٔ ما تنها مربوط به بودن یا نبودن کارخانه‌ها ، سدها ، ایستگاههای برق ، و شناگاه و استادیوم نیست ، نزدیکی نیست که برای ترقی جامعهٔما همه اینهاکاملا لازم است ولی بالاتر و مهمتراز همه امنیت و عدالت اجتماعی لازمست.

در جامعه راهزنان، مردم زحمتکش کار گران و دهقانان و پیشه‌وران و کارمندان و روشنفکران که کعبهٔ عظیم ستم و فساد جامعه بردوشهای خستهٔ آنها فشار میآورد احساس امنیت نمیکنند. آری نه تنها ترقی ، بلکه ترقی همراه با عدالت اجتماعی.

امروز دیگر آنروز نیست که انسان سر نوشت خودرا مقدر شمرد و تسلیم آن شود هر ملتی که بشیوهٔ خود بخاطر اصلاح سر نوشت خویش نبرد کرد ، سر انجام چیزی بدست آورد. نباید گذاشت ایران در جهنم آز و شهوت متنی امتیاز طلب بسوزد. میهن ما که زمانی پیامهای دل انگیزی به بشریت داده اینك نیز بایدبا پیام جان بخش خود بار دیگر بعرصه آید و این پیام نباید جز پیام عدالت اجتماعی، صلح و ترقی چیز دیگری باشد.

مفهوم عدالت اجتماعی در روز گار ما روشن است. جامعهای عادلانه است که در آن کار خلاق ومولد بازو و مغز انسانی معیار ارزشها باشد نه مهارت در خدمه گری و زور گوئی و چاپلوسی. چنین جامعه ای را جامعه سوسیالیستی مینامند. سوسیالیسم بمعنای اصیل کلمه بیش از پیش بایدمأل اجتماعی پیدا می شود و نباید تردید داشت که این ایده‌آل که بسیاری از اجزاء آن مانند انسانوستی و حق پرستی باشکال مختلف در سراسر تمدن کهنسال ما ریشه دارد سرانجام درفش ظفرمند خود را در سرزمین ماباهتزاز در خواهد آورد و مردم میهن ما ازطریق پر چیدن باطرزیسم ضد ملی و ضد دموکراتیك کنونی و استقرار یك حکومت ملی و دموکراتیك دوروازهای تاریخ را بسوی آن جامعه عادلانه خواهند گشود. ا. س.

بعضی از «مردم» زیر چاپ بود که خبر مرگ هوشی مین انتشار یافت.

هوشی مین فرزند کبیر خلق ویتنام ، میهن پرست پر شور ، انقلابی بزرگ ، کمو نیست نامدار ، کسی که تمام زندگی آگاهانه خود را وقف نجات میهن از چنگال امپریالیست های دد منش و پیروزی صلح ، دمکراسی و سوسیالیسم کرد ، مردی که تلاش مظهر مقاومت دربرابر تجاوز امپریالیستی و مبارزه در راه آزادی و استقلال ملی شد ، انسانی که یکتار درراه آرمانهای عالی کمونیستی وی را بیکی از برجسته ترین رهبران جنبش جهانی کمونیستی تبدیل کرد ، از میان ما رفت. مرگ او ضایعه بزرگی برای خلق قهرمان ویتنام ، جنبش جهانی کمونیستی ، جنبش آزادی بخش ملی و همه بشریت مترقی است. ولی نام هوشی مین ، زندگی او ، مبارزه او ، آموزش او ، سرمشق او ، الهام بخش همه مبارزان راه آزادی و استقلال ، صلح و دمکراسی و سوسیالیسم در ویتنام و در سراسر جهان خواهد بود.

ما پرچم انقلابی خود را در برابر او به احترام فرود میآوریم و خود را در اندوه بزرگ خلق ویتنام و حزب زحمتکشان ویتنام شریك میدانیم.

در شمارهٔ آینده « مردم » بتفصیل در باره هوشی مین پیشوای کبیر و خلق ویتنام و رهبر برجسته جنبش جهانی کمونیستی سخن خواهیم گفت.

دنباله از صفحه ۲

## احیاء سنن انقلاب مشروطیت

حقوق صنفی و سیاسی خود مبارزه کنند ، روزنامه‌ها به مدافعین حقوق خلق بدل شوند ، عدالت قضائی حاکم گردد و شکنجه گاه‌های سازمان امنیت و دادگاههای مخفی نظامی برچیده شوند ، موفقیت درراه ایجاد چنین جنبش متحدی ، مهمترین گام برای بسط و تعمیق مبارزات مردم در راه تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی است از اینجاست که در سند مهم حزب ما « تحلیلی از وضع کنونی کشور و وظائف مبرم ما » مصوب پلنوم دوازدهم کمیته مرکزی گفته میشود :

« در صورتیکه حزب توده ایران و سایر سازمانهای ملی و دمو کراتیك موفق شوند که توده‌های مردم را دور این شعار گرد آورند ، و آنها را بمبارزه متشکل و متحد برای تحصیل آزادیهای دموکراتیك سوق دهند بنحوی که دولت مجبور شود لااقل آزادیهای مصرح درقانون اساسی ایران را رعایت نماید ، نا گزیر یکی ازدوپایه رژیم کنونی ، دچار تزلزل جدی میشود و ناچار زمینه را برای مبارزات ملی و دموکراتیك دیگر در جهت تأمین استقلال سیاسی و اقتصادی کشور میگشاید.»

در سند اساسی کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری منعقده در مسکو نیز به وظیفه مهم مبارزه در راه احیاء آزادیهای دمو کراتیك از جهت مصالح مبارزه علیه امپریالیسم توجه خاص شده است :

« مصالح مبارزه علیه امپریالیسم کبیر کوشد آزادیهای اساسی انسان را سر کوب کند ایجاب میکند که برای دفاع و احراز آزادی بیان ، مطبوعات ، اجتماعات ، تظاهرات ، سازمان و برابری حقوق همه افراد و استقرار دموکراسی در همه جوانب حیات اجتماعی مبارزه خستگی ناپذیری انجام شود. باید برای عقیم گذاردن تلاشهائی که ارتجاع بشیوه‌های گوناگون و از جمله از طریق وضع قوانین ضد خلقی بعمل میآورد تا حقوق و آزادیهای دمو کراتیکی را که در جریان نبردهای سر سخت طبقاتی بکف آمده بهیچ بدل سازد به مبارزه‌جدی برخاست.»

حزب ما بااعتقاد راسخ به ضرورت ایجاد جبهه واحدی از نیروهای ملی و مترقی برای مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دمو کراتیك ، پیوسته لزوم وحدت نیروهارا یاد آور شده است. اکنون نیز بار دیگر از کلیه احزاب و سازمانها دعوت میکند برای مبارزه با مقدمین علیه مشروطیت و بخاطر تأمین حقوق دمو کراتیك مردم درجبهه واحدی گرد آیند. تنها نیروی متحد مردم است که میتواند دست تجاوز کار ارتجاع و امپریالیسم را از حقوق مردم باز دارد.

مینو

**تظاهرات صلح آمیز نیکسون خدعه گر سرابی بیش نیست . مردم قهرمان ویت نام هشیارانه در سنگر مبارزه بی‌امان و بیگیر تا پیروزی نهائی ایستاده اند. جهان و تاریخ پشتیبان خلق دلاور ویت نام است .**

دنباله از صفحه ۱

## بیست و پنج سال تکامل آزاد

نشده است .

بلغارستان در نیمه دوم قرن هفتم میلادی بوجود آمد و از همان آغاز در جهت تکامل سریع خود گام نهاد . خط و فرهنگ اسلاو را پایه نهاد و به تعمیم آن پرداخت . دراواخر قرن چهاردهم پس از مقاومت قابل ستایشی که در مقابل ترك های عثمانی از خود نشان داد شکست خورد ، ولی تسلیم نشد . ترکهای عثمانی پانصد سال بر این سر زمین حکومت کردند . در این ایام «هایدوت ها» - میهن پرستان بلغاری که برای آزادی و استقلال میهن خود میجنگیدند هرگز آنها را آرام نگذاشتند .

در سال ۱۸۷۸ درنتیجه جنگ ترکیه و عثمانی ارتش روس با دادن ۲۰۰۰۰۰ قربانی بلغارستان را آزاد کرد و به بردگی ۵۰۰ ساله شان پایان داد . ولی بلغار ها آزادی واقعی خود را کمی دیر تر بدست آوردند .

در سال ۱۹۲۳ در بلغارستان اولین قیام ضد فاشیستی برهبری حزب کمونیست انجام گرفت . رژیم فاشیست حاکم در آن زمان شورش مردم را بخون کشید . در ایام اشغال بلغارستان توسط فاشیست های هیتلری در فاصله سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۱ حزب کمونیست بلغارستان بار دیگر مردم را به مبارزه مسلحانه دعوت کرد . در سراسر کشور گروههای پارتیزان بوجود آمد . نبرد ضد فاشیستی همه جا در گیر شد . نهضت مقاومت مسلحانه مردم بلغارستان در جریان جنگ علیه فاشیسم قربانیهای فراوان داد و صفحات درخشان در تاریخ مبارزات مردم این کشور در فاصله سالهای ۱۹۴۴ - ۱۹۴۱ حزب پارتیزانها روز نهم سپامبر رژیم فاشیستی حاکم را برانداختند و تشکیل حکومت خلق را اعلام کردند .

پیروزی انقلاب سوسیالیستی ۱۹۴۴ راه تکامل سریع کشور را گشود . کشور عقب مانده و غارت شده بلغارستان با گامهای مطمئن و با برخورداری از کمکهای بی‌شائبه اتحاد شوروی گام در راه ترقی و تکامل خود نهاد .

در بیست و پنج سال پس از آزادی بلغارستان جمعیت کشور فقط یك میلیون نفر افزایش یافته است . یعنی از ۷ میلیون به ۸ میلیون نفر رسیده است . ولی محصولات کشاورزی آن دو بار بیشتر گردیده است و امروز محصولات صنعتی ۱۰ روز آن با تمام محصول صنعتی سال ۱۹۳۹ برابر است .

جمهوری توده ای بلغارستان قبل از آنکه پای در مرحله جدید زندگی خود بگذارد ذوب آهن نداشت . متالورژی درخشان نمیدانست چیست . صنایع شیمیائی در آن نبود . ولی امروز فرآورده های صنعتی بلغارستان به ۵ قاره جهان راه گشوده است . بلغارستان به صنایع گسترده شیمیائی ، ذوب آهن ، ماشین سازی و الکترونیك خود میبالد .

در این ایام در کشاورزی بلغارستان نیز تحول شگرف صورت گرفت . سیمای روستا های کوچك ، کثیف و عقب مانده عوض شد . روستا ها بصورت شهرهای کوچك و تمیز در آمدند . دهقانان حاکم بر سرنوشت خود شدند . شبکه وسیع فرهنگ و بهداشت در روستا ها گسترده شد . ماشین جانشین کار انسان گردید . روستائی بلغاری از ستم مالك و وابستگی طبیعت آزاد گشت . امروز دهکده ای را در بلغارستان نمیتوان یافت که در آن بیمارستان یا مرکز بهداری وجود نداشته باشد . ۱۲۰۰۰ پزشك یعنی نزدیك بدو برابر تمام پزشکان ایران در روستا های بلغارستان مشغول بکارند . در هر دهکده آنچه نخستین بار چشم میخورد مرکز بهداری ، ساختمان مدارس ، سینما ، خانه فرهنگ ، خیابانها و کوچه های تمیز و مردمی شاد ، مهربان و خون گرم است .

نیروی برق دیر زمانی است که تاریکی را از دور ترین روستا های بلغارستان زدوده است . آب لوله کشی بهمه خانه ها راه یافته است . در ۲۵ سال اخیر بیش از نیمی از خانه های روستائی تجدید بنا شده است .

دفتر آمار سازمان ملل متحد سال پیش اعلام کرد ، جمهوری توده ای بلغارستان از نظر تعمیم و کیفیت بهداشت کشور های بزرگ مانند امریکا ، انگلستان و فرانسه را پشت سر نهاده است .

سوسیالیسم در این ایام توانسته است بهداشت و فرهنگ مجانی را تا دور ترین نقاط کشور گسترش دهد . امروز برای هر ۵۷۶ نفر بلغاری یك پزشك وجود دارد . چه تفاوت فاحشی بین این رقم با رقم یك پزشك برای حد اقل ۳۰۰۰ نفر در کشور ما بچشم میخورد .

سیستم وسیع آموزشی بلغارستان نیز توجه سازمان فرهنگی با اعتباری مانند یونسکو را جلب کرده است . در سالنامه ۱۹۶۸ یونسکو گفته شده است ، بلغارستان در سالهای بعد از جنگ در کمترین مدت ممکن (۵ سال) بیسوادی را در کشور ریشه کن کرده است و امروز از نظر داشتن جوانانیکه تحصیلات متوسطه را پایان داده‌اند با در نظر گرفتن جمعیت خود بیش از ۸۰ هزار دانشجو دارد . دولت بلغارستان انستیتوی ویژه ای برای نیز برای دانشجویان خارجی گشوده است .

سیاست خارجی جمهوری توده ای بلغارستان بر پایه همزیستی مسالمت آمیز ، احترام بحقوق ملتها ، کمك بکشور های در حال رشد و نهضتهای ملی قرار گرفته است . کشوری که خود طعم اسارت چشیده، سالهای دراز اسیر فاشیسم بوده و در مبارزه با آن قربانیهای فراوان داده است از رنج زمره آن پدیده هائی است که امکان بروز آن در زندگی شخصیتهای سیاسی واجتماعی ممکن و گاه تا گزیر است و کمترین ارتباطی با عمل آگاهانه افراد طبقات حاکمه ایران برای حفظ منافع غارتگرانه خود و خدمت به امپریالیسم ندارد . ثانیا تعیین کننده شخصیت یك رجل سیاسی و اجتماعی در محتوی اصلی زندگی او ، در فعالیت عمومی و عمده اوست. دکتر مصدق در ادوار مختلف زندگی خود و بویژه هنگامیکه در رأس جنبش ملی کردن صنایع نفت ایران قرار گرفت نشان داد که مردی است میهن پرست و در مبارزه بر ضد استعمار و بخاطر استقلال ایران سرسخت ، پیگیر و استوار . در واقع دکتر مصدق در یك دوران کوتاه ولی طوفانی ، در دورانی که مبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران به اوج خود رسیده بود ، مظهر نهضت ملی ایران گردید . علت علاقه و احترام مردم ایران به دکتر مصدق و کینه و خصومت امپریالیستها و عمال ایرانی آنها و به نیز همین است . و درست بهمین دلیل تلاش امپریالیستها و عمال ایرانی آنها برای اکه دار کردن شخصیت دکتر مصدق ، بجای آنکه جای او را در تاریخ معاصر ایران بعنوان یك رجل ملی و میهن پرست تغییر دهد و از احترام و علاقه مردم نسبت به او بکاهد ، موجب افشاء باز هم بیشتر ماهیت فاسد و تبه کار دشمنان او خواهد شد . ملت ایران مبارزان راه آزادی واستقلال خود را گرامی میدارد و آنگاه که بنده های اسارت را برای همیشه بگسلد و حاکمیت بر سرنوشت خویش گردد ، جای آنها در تاریخ جنبش آزادیخش ملی ایران مستحکم تر خواهد شد . دکتر مصدق بدون تردید یکی از بزرگترین آنهاست .

م. انوشه

دنباله از صفحه ۱

## شخصیت دکتر مصدق

زبان خود امپریالیستها و عمال آنان از کم و کیف این سازمانهای جهنمی آگاه گردند و با جزئیات بیشتری بشناوند که اکثریت مطلق آنها که سرنوشت این مردم و این کشوررا بدست خود گرفته اند ، آنها که شب و روز در بارهٔ انقلاب و آزادی و استقلال و ملیت و قومیت داد سخن میدهند ، از «خدایگان شاهنشاه آریا مهر» گرفته تا کسانیکه بنام نخست وزیر و وزیر و وکیل و امیر و سفیر تمام قدرت اقتصادی و سیاسی و نظامی کشور را در دستهای خود متمرکز کرده اند ، سرشان مانند عروسك خیمه شب بازی به فراماسونری و اینتلیجنت سروس وسیا ونظائر آن وصل است ، تا هم وسیله تسلط و غارت اربابان را فراهم کنند و هم خود از این خوان یغما سهمی ببرند .

در این میان امپریالیستها و عمال آنان میکوشند یك تیر دو نشان بزنند ، هم رقیب را لو بدهند و هم با دکتر نام پرخبری از رجال میهن پرست در بین کام عمال خود آنها را که دار کنند و مردم را نسبت به آنان بد بین سازند . فرعه این بار نام دکتر مصدق افتاده است که وی را عضو سازمان فراماسونی معرفی کنند .

امپریالیستها و شاه و سایر گردانندگان رژیم که نتوانسته اند از علاقه و احترام مردم ایران - علیرغم توطئه سکوت و توهین و اتهام - نسبت به دکتر مصدق بکاهند هرروز نیرنگ تازه ای میزنند تا مگر بشکلی به شخصیت دکتر مصدق لطمه زنند و یا حداقل در باره وی در مردم تردید ایجاد کنند .

تردیدی نیست که زندگی طولانی و اندوه ملتهای اسیر بخوبی آگاه است . جمهوری توده ای بلغارستان به خلقهائی که برای آزادی و استقلال خود مبارزه میکنند بیدریغ کمك میکند .

بین حزب ما وحزب کمونیست بلغارستان بهترین مناسبات انترناسیونالیسم پرولتری وجود دارد . حزب ما سپاسگزار کمکهای بی‌شائبه خلق و دولت بلغارستان بملت ایران است .

مقایسه کشوری که در عرض بیست و پنج سال به چنین سطح عالی رشد اقتصادی و فرهنگی رسیده است با کشور ما که ذخائر مادی و انسانی آن چندین برابر این کشور است و چنین منظرهٔ اندوهباری داود برتری بدون تردید سوسیالیسم و امکانات شگرف آنرا نشان میدهد .

ما بیست وپنج سالگی آزادی بلغارستان را بحزب برادر خود ، حزب کمونیست بلغارستان و مردم دلیر ، پرکار و مهربان این کشور از صمیم قلب تبریك میگوئیم ، بگذار سوسیالیسم هر چه بیشتر در بلغارستان شکوفان شود .

ا. فروزان

دنباله از صفحه ۴

## وارثان مانیفست

عنوان عامل مهم صلح و ترقی در مرکز اروپا به همه نیرو های صلحدوست و مترقی به اثبات رساند .

مردم ایران که پیوند بین رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیك ایران و امپریالیست های آلمان غربی را میبینند در وجود جمهوری دمکراتیك آلمان دوست خود را می یابند و بهمین جهت بیستمین سالگرد جمهوری دمکراتیك آلمان را بر مردم این کشور ، به نخستین دولت سوسیالیستی در آلمان ، و به حزب مارکس ، انگلس ، لنین لیبکنشت ، تلمن اولبریشت صمیمانه تبریك میگوئیم و موفقیت های بزرگ بیشتری را برای آنان آرزومندند .

م . فرزانه

# نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را گسترش دهیم و متحد کنیم !

چنانکه خوانندگان گرامی توجه دارند ما با وظیفه‌ای که در مبارزه بر ضد انواع انحرافات «چپ» و راست در اپوزیسیون ضد رژیم و از جمله در جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی بر عهده داریم ، تا کنون مقالات متعددی در زمینه بروز پدیده های مشخص نگاشته ایم . از جمله در این اواخر در دو مقاله « از انقلابیگری تا ضد انقلاب» و «نه انقلابیگری نه تسلیم» تاریخ منفی و زیانبخش دو پدیده انقلابی مآبی و تسلیم طلبی را مورد تحلیل قرار دادیم . در مقاله حاضر پدیده دیگری را که بنوبه خود منفی است مورد بحث قرار میدهیم .

* * *

بروز پدیده انقلابیگری و تسلیم طلبی در بین جوانان و بویژه دانشجویان گاه موجب برخورد منفی به جنبش و مبارزه جوانان و دانشجویان میشود . بدینمعنی که برخی ها با تکیه به جنبه های منفی انقلابیگری و تسلیم طلبی و زیانهای ناشی از آن اولا به جنبش جوانان و دانشجویان کم بها میدهند . ثانیا با تکیه به جنبه های منفی جنبه های مثبت مبارزه آنان را در سایه قرار میدهند . ثالثا روش عناصر و گروههای منحرف را بهمه جنبش تعمیم میدهند . چنین برخوردی - که ناشی از عدم درك عمیق علل بروز این پدیده ها و راه غلبه بر آنهاست و بیشتر جنبه ذهنی دارد - بنوبه خود زیانهای تازه ای را ببار میآورد ، نیرو های سالم انقلابی بهدر میرود و امکان سوء استفاده عناصر ضد انقلابی «چپ» و راست از جنبش جوانان و دانشجویان دوام بیشتری پیدا میکند .

جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی بعنوان بخشی از نهضت ضد امپریالیستی و دموکراتیك ملت ایران دارای سنت درخشانی در مبارزه انقلابی است . جوانان و دانشجویان بویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ نقش مثبت و فعالی در مبارزات ضدامپریالیستی ودمکراتیك داشته اند . گروه عظیمی از آنان با پیوستن به نهضت کارگری و جنبش توده‌ای به سطح عالیتری از مبارزه انقلابی رسیدند و عده ای با ایثار جان خود در راه آرمانهای خلق نمونه های عالی قهرمانی از خود نشان دادند.

جنبش کنونی جوانان و دانشجویان ایرانی که در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد دوباره تبلور گرفته ، چون با همان انگیزه ها و آرمانها بوجود آمده ، ادامه جنبش گذشته است . وجود این جنبش ورشد و تکامل آن نشانه آنست که رژیم ضد ملی و ضد دمکراتیك ایران علیرغم فشار ها و تهدیدها از یکسو و عوامفریبی‌ها و تطمیع‌ها از سوی دیگر نتوانسته است به مقاومت و مبارزه جوانان و دانشجویان را سر کوب کند و با استفاده آنان را براه سازش و تسلیم بکشاند. اعتراضات، مقاومتها و مبارزات خود بخودی و متشکل در داخل و خارج از کشور، که تظاهر و انعکاس آنرا در تعقیب و حبس و شکنجه و اعدام عده زیادی از جوانان و دانشجویان میتوان دید ، مؤید این واقعیت است که جنبش جوانان و دانشجویان همچنان بخش مهم و فعالی از نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیك ملت ایران را تشکیل میدهد . علاقمندی و گرایش روز افزون جوانان و دانشجویان به افکار و آرمانهای سوسیالیستی نشانه آنست که جنبش جوانان و دانشجویان میتواند به عامل مهمی در جنبش کارگری و انقلابی تبدیل گردد.

اگر از یکطرف انقلابیگری و از طرف دیگر تسلیم طلبی در بین گروههائی از جوانان و بویژه دانشجویان بچشم میخورد اولا نباید آنرا بحساب مجموعه جنبش گذارد. ثانیا باید دانست که منشاء طبقاتی و خصلت جوانی در این انحرافات و نوسانات نقش دارد و بنا بر این تا حدود زیادی بروز آنها طبیعی و جبری است . ثالثا نباید منشاء معرفتی بروز این پدیده های منفی را که در دنیای کنونی بطور عمده عبارتست از اختلاف در جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ، اوج تاسیو - تالیسم و بغرنجی مسائل سیاسی و ایدئولوژیك عصر ما ، از نظر دور داشت . رابعا فعالیت خرابکارانه و فتنه انگیزانهٔ امپریالیسم را نیز فراموش نباید کرد .

ولی دشواری و بغرنجی مبارزه برای جلب و تجهیز و تشکل جوانان و دانشجویان و مبارزه با گجرویها و انحرافات گوناگون «چپ» و راست در جنبش جوانان و دانشجویان نیرو های انقلابی و پیشاهنگ را فقط در برابر وظایف سنگین تر و حساس تری قرار میدهد ، بدون اینکه یك لحظه هم آنها را از ارزیابی درست نیرو های بالقوه و بالفعل جوانان و دانشجویان در جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیك ملت ایران واستفاده صحیح از این نیرو ها بسود صلح ، استقلال ملی ، دمکراسی و سوسیالیسم باز دارد . و این وظایف عبارتست از :

۱) کوشش همه جانبه و فعالیت روز افزون برای نفوذ در بین توده های هر چه وسیعتری از جوانان و دانشجویان بمنظور تجهیز و تشکل آنان در مبارزه بخاطر تحقق خواستهای صنفی و سیاسی .

۲) یافتن دقیق ترین ، واقع بینانه ترین و مترقی ترین شعار ها در هر مرحلهٔ مشخص بمنظور ارضاء خواست های صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان .

۳) یافتن و تکیه به خواستهای مشترك صنفی و سیاسی جوانان و دانشجویان بمنظور متحد ساختن توده های هر چه وسیعتری از آنان صرفنظر ازعقاید سیاسی و ایدئولوژیك.

۴) مبارزه قاطع ، اصولی و پیگیر در عین حال متین و خونسردانه با هر گونه انحراف راست و «چپ» بهر شکلی که درآید و تحت هر عنوانی که باشد .

۵) کوشش دوستانه، منطقی و صبورانه برای آزاد ساختن آن قشری از جوانان و دانشجویان که با حسن نیت ولی گمراهند ، از زیر نفوذ افکار انحرافی «چپ» و راست.

۶) کوشش پیگیر و روز افزون برای آنکه جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی پیوند خود را با نهضت ضد امپریالیستی و دمکراتیك ملت ایران و جنبش کارگری و انقلابی عمیقتر و محکمتر کند و به سطح عالی تری از رشد و آگاهی برسد.

فقط در چنین صورتی است که میتوان نیروی انقلابی جوانان و دانشجویان را بخاطر تحقق خواست های صنفی و سیاسی آنان گسترش داد و متحد کرد و در جریان مبارزه آنرا به سطح عالیتری در مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی رساند . تنها در اینصورت است که جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی خواهد توانست نه فقط به سنت درخشان گذشته تکیه کند ، بلکه بر این سنت صفحات درخشانتری بیفزاید .

ما تردیدی نداریم که جنبش جوانان و دانشجویان ایرانی علیرغم دشواریها ، بغرنجیها و انحرافاتی که با آن روبرو است این راه پر افتخار را طی خواهد کرد .

م . اتوشه

سلیمان معینی (فائق) ویرا - درش عبداله معینی وعده دیگری از یاران آنها پس از مبارزه قهرمانانه برای آرمانهای مردم بشهادت رسیده اند . این عکس جنازه سلیمان معینی (فائق) که دژخیمان شاه آن را برای عبرت دیگران بمعرض نمایش گذارده‌اند.

گروه ایرانیان مجاهدین بخصوص سلیمان معینی (فائق) باعث و دلسوز نشان میدهد . درود بخاطره دلاورانیکه در کردستان بشهادت رسیده اند !

## «نشریات توده»

با تقاضای خوانندگان و با ابراز تشکر از اینان که آمادگی خود را برای پرداخت بهای نشریات توده اعلام داشته اند ، بدینوسیله مهمترین نشریات توده به اطلاع همگان میرسد . ضمناً از خوانندگان گرامی خواهشمندیم که نکات زیر را رعایت فرمایند :

۱) بهای نشریات را به حساب بانکی اعلام شده بپردازند .

۲) خوانندگان مقیم خارج از کشور معادل ریالی بهای نشریات را به پول کشور محل اقامت خود بپردازند .

۳) خوانندگان گرامی بایست نشریاتی که تاکنون دریافت داشته اند هر قدر میتوانند کمك کنند .

۴) رسید نشریات و مبلغ ارسالی را کتباً نیز بما اطلاع دهند .

۵) کتب زیر تمام شده است از تقاضای ارسال آن خود داری فرمایند :

متخیات لنین ، دولت و انقلاب ، لودویگ فویرباخ، حق‌طلب درتدوین سرنوشت، مخبرانی‌لنین در دومین کنگره کمونیستهای خاورزمین، گ

| نام نشریه | بها |
|---|---|
| ماهنامه مردم | ۱۰ ریال |
| مجله دنیا | ۴۰ « |
| مجله مسائل بین المللی | ۲۰ « |
| مانیفست | ۴۰ « |
| سرمایه جزوه ۱ و ۲ و ۳ و ۴ | ۴۰ « |
| انقلاب اکتبر و ایران | ۸۰ « |
| برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی | ۲۰ « |
| اصول فلسفه مارکسیسم | ۲۰ « |
| آخرین دفاع روزیه | ۲۰ « |
| یاد داشتهای فلسفی و اجتماعی | ۴۰ « |
| مجمع‌هم بروسر لوئی بابلیاد | ۴۰ « |
| خان و دیگران | ۱۰ « |
| یادنامه شهیدان | ۲۰ « |
| رژیم ترور و اختناق | ۱۰ « |
| خیانت او بوطنش | ۲۰ « |
| توده ایها در دادگاه نظامی | ۲۰ « |

**Sweden**
**Stockholm,**
**Stockholms Sparbank**
شماره حساب بانکی
**C-1265-5**
**Dr. John Takman**